

# آفرینش جهان با کلام ایزدی<sup>۱</sup> رهیافتی متن‌شناسانه به انگاره‌های قرآنی بر اساس برخی مدارک یهودی، مسیحی و مانوی

محمد شکری فومشی\*

## چکیده

مقاله حاضر پژوهشی در باب انگاره نیروی اعجاز‌آمیز کلام ایزدی در آفرینش جهان است. این انگاره کهن، که بخشی از آن پیش از ظهور اسلام در نظام‌های دینی مختلف خاور نزدیک تبلور پیدا کرده، همان نیروی معجزه‌گر آفرینش است که در قرآن با عبارت «کن فیکون» و در آثار یهودی و به طور مشخص در کتاب خنوخ با نیروی کیهانی بیست‌ودو حرف الفبا نشان داده شده است. متون مسیحی و به طور خاص مکاشفه یوحنا آن را در قالب عبارتی به نقل از عیسی مسیح نشان می‌دهند. این پژوهش، که رویکرد متن‌شناسانه‌اش به شیوه در زمانی و هم‌زمانی تنظیم شده، نشان‌دهنده برخی پیوندهای ساختاری معنادار میان باورهای مانی و اندیشه‌های یهودی و مسیحی در این باب از یک سو و عبارت «کن فیکون» در قرآن از سوی دیگر است. این عبارت قرآنی به همین شکل به طور قطع و یقین در نظام‌های پیشین نمونه ندارد، گرچه نمونه اولیه انگاره آفرینشگری خداوند با کلام در ادبیات بابلی، یهودی، مسیحی و مانوی بازنموده شده است. قرآن کلام‌الله است و خداوند آن را بی‌تردید به زبان فرهنگی جهانی بیان کرده که در طول تاریخ تجربه و فهمیده شده است. قرآن هیچ‌یک از انگاره‌های تعلیمی‌اش را با مفاهیمی نیاموخت که انسان صورتی از آن را در ذهن تاریخی خویش نداشته یا به نحوی با آن آشنا نبوده است.

کلیدواژه‌ها: نیروی کلام، آفرینش جهان، قرآن، بابلی، یهودی، مسیحی، مانوی.

## مقدمه

نکته‌ای بدیهی است که میان ادیان الاهی و جوه مشترک وجود دارد. عناصر همسان در ادیان الاهی که می‌توانند نشانه خاستگاه واحد ادیان باشند، نه تنها ممکن است در اندیشه‌ها و کیش‌های غیرالاهی نفوذ کنند، که از طریق دگردیسی‌های طبیعی آموزه‌ای حتی نمایشگر استمرار سنن الاهی و تکوین آنها در قالب‌های جدید غیرالاهی نیز باشند. آموزه‌های همسان در کیش‌های مختلف که از پایه با اندیشه‌های بنیادین ادیان ابراهیمی ناهمگون‌اند، از همان ابتدا خود را تعبیری جدید از دین الاهی معرفی کرده‌اند. یکی از این کیش‌ها مانویت است که مانی آن را در میان رودان سده سوم میلادی و در آغاز عصر ساسانی با بهره‌مندی از عناصری از ادیان زرتشتی، مسیحی، بودایی و دیگر اندیشه‌ها بنیان نهاد. او خود را مفسر حقیقی کلام آشور زرتشت، بودا شاکیه‌مونی و عیسی مسیح معرفی می‌کرد و در این راه می‌کوشید از همان عناصری بهره‌مند شود که بعدها برخی از آنها در سنن اسلامی نیز بازتاب یافته‌اند، از آن‌رو که از همان ریشه واحد برآمده بودند. یکی از این عناصر که موضوع بحث مقاله حاضر است، باور به نیروی اعجاز‌آمیز کلام ایزدی در خلق جهان و کائنات است؛ باوری که به نظر می‌رسد برخی محورهای آن قبل از ظهور اسلام در سنت‌های پیشین نشان داده شده و آنگاه پس از اسلام خود عامل ظهور طریقت‌های دیگر، مانند حروفیه، شد.

## ۱. رفع دو شبهه قدیمی

### ۱.۱. عناصر همسان در ادیان ابراهیمی و کیش‌های غیرابراهیمی

سال‌ها است برخی پژوهشگران به وجود عناصر همسان یا شبه‌همسان در مانویت و اسلام اشاره کرده‌اند.<sup>۲</sup> این محققان اگرچه پژوهش‌های خویش را بر پایه موازین دین‌شناسانه استوار نکرده‌اند،<sup>۳</sup> اما راه را برای بررسی‌های بعدی هموارتر کرده‌اند؛ مانند آنچه تُرد اُلْسُن (Tord Olsson) در تحلیل سوره واقعه در باب «السابقون» در قرآن و مقایسه آن با طبقه «برگزیدگان» در مانویت نوشته است (Olsson, 1988: 273-282, esp. ).<sup>۲۷۵</sup> برخی پژوهشگران نیز کوشیدند فرشتگان مقرب مانوی مانند میخائیل، گبرائیل، روفائیل و سَرائیل را با میکائیل، جبرائیل، اسرافیل و عزرائیل در یهودیت و مسیحیت و اسلام تطبیق دهند، حال آنکه کارکرد و خویش‌کاری هیچ‌یک از این فرشتگان هم‌ارز

کارکرد هم‌نامشان در آموزه‌های یهودی، مسیحی و آنچه حدود چهار قرن پس از مانی در اسلام متبلور شده، نیست.<sup>۴</sup>

در حقیقت، طبیعی است که مانی می‌بایست در استفاده از آن سامانه فکری، دخل و تصرف کرده باشد. بنابراین، ضرورت ندارد عنصری مانوی در قیاسی مع الفارق با عنصر هم‌نامش در ادیان ابراهیمی مطابقت کند، زیرا هر یک از این نظام‌ها سامانه و عملکرد خاصی را برای هر یک از این عناصر متصور شده‌اند که باید از کارکرد همتایانشان در ادیان پیشین متمایز باشد، حتی اگر همگی از سرچشمه‌ای یگانه برخاسته باشند. در واقع، به همان نسبت که عناصر مانوی به‌راستی همان نقشی را ایفا نمی‌کنند که همتایانشان در یهودیت، مسیحیت و اسلام به عهده دارند،<sup>۵</sup> در همان زمان نیز در اصل بنا بر آن نبوده که این عناصر با هم تطبیق کنند. این عناصر با یکدیگر فقط قابل مقایسه‌اند، نه قابل تطبیق.

#### ۱. ۲. آفرینش با بیست‌ودو حرف الفبا به موازات بیست‌ودو کتاب عهد عتیق؟

کتاب یوبیل یکی از کهن‌ترین متون یهودی و جزء آثار غیررسمی آن ادبیات است و فصل دوم آن در واقع کتاب آفرینش است. در اینجا، بیست‌ودو آفرینش در چندین روز برشمرده شده است. بر اساس کتاب یوبیل ۲: ۱۵، شمارشش به هفت افزایش می‌یابد و پیوندی ماهوی بین آفرینش اسرائیل و تقدس سبت به منزله روز هفتم هفته آفرینش ایجاد می‌کند. در حقیقت، در اینجا بیست‌ودو عمل آفرینش تا روز هفتم کشیده شده است، همچنان که نسل رسولان از آدم تا بیست‌ودو نسل به یعقوب کشیده شد (Doering, 1997: 181; Berger, 1981: 328-329). در این زمینه، در هیچ جای عهد عتیق، هیچ ذکری از «بیست‌ودو کتاب» این عهد وجود ندارد. بنابراین، نکته در خور توجهی است که در این زمینه هیچ اشاره‌ای در تورات دیده نمی‌شود تا نشان دهد که این اثر به بیست‌ودو کتاب (بخش) تقسیم می‌شده است؛ عهد عتیق به‌راستی بیش از بیست‌ودو کتاب دارد: بر اساس عزرا ۱۴: ۴۵ بیست‌وچهار و بر اساس انجیل توماس پنجاه‌ودو کتاب. با این حال، برخی منابع یهودی، بدون توجه به شمار واقعی این مجموعه، بر بیست‌ودو بخش بودن عهد عتیق تأکید دارند. به عبارت دیگر، میان یهودیان تمایلی وجود داشته (و دارد) که اصلی یهودی برای ارتباط شمار کتاب‌های عهد عتیق با شمار

بیست و دو حرف الفبای عبری قائل شوند (Cf. Katz, 1956: 191-217). اما نکته مهم اینجا است که نه تنها همه آن مدارک در این زمینه آشکارا متأخرند، بلکه، همچنان که گالاگر متذکر شده، «در واقع، هیچ منبع یهودی‌ای وجود ندارد که بیانگر ارتباط میان شمار بخش‌های کتاب مقدس و الفبا باشد» (Gallagher, 2012: 87)، اما چون شمار واقعی آثار کانونی یهودی به طور دقیق معین نبود، بعدها برخی آبای کلیسا، همچون اریگن، کوشیدند شمار آنها را بیست و دو در نظر بگیرند تا به احتمال با شمار الفبای بیست و دو گانه تطبیق کند که همواره معجزه‌گر تلقی می‌شد (Apud *ibid.*: 90).

## ۲. نیروی کلام ایزدی؛ کن فیکون در قرآن

در قرآن آفریدگاری خداوند با نیروی کلام الهی با عبارت کوتاه «کن فیکون» نشان داده شده است. این عبارت نمایانگر اراده خداوند و آفرینش هر چیزی بدون نیاز به اسباب در آن واحد است، در آن هنگام که خداوند می‌فرماید: «باش، پس می‌شود». «کن فیکون» هشت بار در قرآن به کار رفته است: آل عمران: ۳۵؛<sup>۶</sup> آل عمران: ۴۷؛<sup>۷</sup> آل عمران: ۵۹؛<sup>۸</sup> انعام: ۷۳؛<sup>۹</sup> نحل: ۴۰؛<sup>۱۰</sup> یس: ۸۲؛<sup>۱۱</sup> بقره: ۱۱۷؛<sup>۱۲</sup> و غافر: ۶۸.<sup>۱۳</sup> در این مقاله، به جای تحلیل این آیات، می‌کوشیم به پیشینه کاررفت انگاره (مفهوم؛ concept) نیروی کلام ایزدی در آفرینش نظام هستی نظر افکنیم تا در این بررسی متن‌شناسانه (textological) نشان دهیم که این مفهوم تا چه حد و به چه صورتی در ادبیات ادیان ابراهیمی از یک سو، و کیش غیرابراهیمی - اما با ریشه‌های ابراهیمی - مانویت از سوی دیگر بازنموده شده است. در همه سنت‌ها، کلمات و واج‌ها که با ابزار سلسله حروف در فراخوانی‌ها یا دعاها از زبان جاری می‌شوند، نیروی بالقوه اراده خداوند را به فعل بدل می‌کنند (قس. پی‌نوشت شماره ۲۰).

## ۳. نیروی کیهانی الفبا در ادبیات یهودی و مسیحی

### ۳.۱. کتاب حنوخ عبری میان مانویان

مانی مخالف موسی و کیش یهودی بود و از این رو به نظر نمی‌رسد اندیشه‌های او از ادبیات یهودی متأثر شده باشد. با این حال، موقعیت ناشناخته، اما ممتاز، جماعت‌های یهودی و مسیحی در میان‌رودان سده‌های نخستین میلادی گویای شواهدی برخلاف

این فرض است. متون مانوی آشکارا نشان می‌دهد که مانی با یهودیت آشنا بوده است، اگرچه بخشی از این آشنایی به احتمال فراوان با واسطه و از راه مسیحیت بوده است. بنا بر تحقیقات گئو ویدنگرن، یهودیت (و صدالبته مسیحیت) نقش فوق‌العاده مهمی در اندیشه‌های مانی بازی کرده است، حتی اگر تأثیراتش از طریق منابع یهودیان بدعت‌گذار یا گنوسیان یهودی «در جهتی مخالف» عقاید رسمی یهودی بوده باشد (Widengren, 1965: 11). یکی از نمونه‌های بارز چنین تأثیری بی‌تردید وجود کتاب *غولان* در مجموعه آثار خود مانی است.<sup>۱۴</sup> به یقین کتاب *غولان* یهودی برای او شناخته شده بود. این اثر، در حقیقت، روایت *حنوخ* کتاب *غولان* بوده که قطعاتی از آن در مجموعه آثار یهودی غیررسمی و در *قُمران* در ساحل بحرالمیت کشف شده است. واقعیت شناخته شده‌ای است که *حنوخ* نه تنها در مقام یکی از پیامبران کهن نزد مانی از احترام خاصی برخوردار بوده،<sup>۱۵</sup> که قطعه فارسی میانه M625c (Henning, 1934: 27-35) شاهدی است روشن بر این نکته که مانی با کتاب *حنوخ* (hwnwx)<sup>۱۶</sup> نیز آشنا بوده است (نیز نک.: هنینگ، ۱۳۷۵: ۲۸-۲۹ و ۳۲). متنی مانوی از مجموعه مانوی تورفان آشکارا نشان می‌دهد که مانی در نوشتن کتاب *غولان* خویش از دست‌نویسته *حنوخ* (dst-nbyg 'y hwnwx)، که باید همان کتاب *حنوخ* باشد، بهره برده است:

S I 0/120/I/r/6-11/: nwn 'mdym 'wm 'yn dw txtg (')[wrd] kw pyš qw'n  
 phyp(wrs)[ym] <...> °° (§)[hm](y)z'd gwpt kw p<h>ypwrs ds[t] (nbyg 'y  
 hwnwx) ...

اکنون آدم و این دو تخته (لوح) را آوردم که پیش *غولان* (...) برخوانم.  
 شه‌میزاد گفت: برخوان دست‌نویسته *حُنُوخ* را ... (Durkin-Meisterernst, 2011: 31; See also Henning, 1934: 28).

هانس یواخیم کلیمکایت (H.-J. Klimkeit) در پژوهشی به خط سیر انتقال اندیشه‌های یهودی از جماعت یهودیان *قمران* به جماعت یهودی مسیحی الخسائیه اشاره کرده که مانی تا بیست و چهار سالگی زندگی‌اش در میان آنان زیست.<sup>۱۷</sup>  
 باری، بر اساس آنچه از فصل سیزدهم کتاب *حنوخ* (از روایت عبری این اثر مشهور به کتاب سوم *حنوخ*)<sup>۱۸</sup> می‌دانیم، آفرینش هر چیزی در لحظه‌ای صورت پذیرفت که خداوند نام آن را جاری ساخت، چنان‌که حروف الفبای کیهانی را با قلم شعله‌تابش بر

تارک متاترون (Metatron) نگاهت تا آسمان و زمین در خلقت آیند (Odeberg, 1928: 34-35; Cf. also Lumpkin, 2009: 326-327). کتاب حنوخ، فصل ۴۱، بازمی‌گوید که متاترون به ربی ایشمائیل حروفی را بر «تخت شکوه» نشان داد که با آن در آن واحد همه آنچه در آسمان و زمین‌اند، در وجود آمدند (Odeberg 1928, II: 128-129; Cf. also *Sēpher Yeširāh*)<sup>۱۹</sup>. (Sefer Yezirah) in Herrmann, 2008: 31 & 88-89

اما اینجا چند نکته برای پژوهش ما شایان توجه است: نخست، اگرچه «نیروی کیهانی حروف الفبا و کلام» و نقش الفبا در آفرینش جهان در کتاب حنوخ ذکر شده، در این اثر هیچ ذکر آشکاری از الفبای عبری نشده است (حتی اگر در واقع منظور از آن حروف، الفبای عبری بوده باشد)، آنچنان که از آن در آثار یهودی یاد می‌شود. دوم، شمار این حروف در اینجا معین نشده؛ نکته‌ای کلیدی که علمای یهودی به‌عمد از کنار آن گذشتند. و سوم، خرد، فهم، معرفت، حزم، فروتنی و راستی، بر اساس این اثر، با نیروی حروف الفبا به وجود می‌آیند؛ نکته‌ای فوق‌العاده مهم که در دیگر متون یهودی دیده نمی‌شود. بنابراین، اگر مانی با این نوشته یا منابع مربوط به آن آشنا بوده، که بسیار محتمل است، او می‌بایست به طور قطع این سه نکته را مد نظر قرار داده باشد؛ نکته‌ای که به‌احتمال می‌توانست در تألیف دست‌کم کتاب *انجیل زنده* او تأثیر گذاشته باشد. اما عباراتی شبیه این در *زبور مانوی* به قبطی، در بخش مزامیر توماس، نیز وجود دارند که نشانگر نیروی کیهانی کلمه و کلام هستند (نک: مزور ۲۰۳: ۵-۲۲).<sup>۲۰</sup> این متن مانوی در باب فراخوانی ابرها و آتش و باد و کوه و عناصر دیگر کیهان است.<sup>۲۱</sup>

### ۳.۲. رساله‌ای از ممار مرقه در باب بیست‌ودو حرف

یکی از مشهورترین مدارک یهودی که خود تحت تأثیر منابع کهن تر است اما تاریخ تألیف آن به عصر زندگی مانی نزدیک بوده، *ممار مرقه* (Memar Marqah, Tibat Marqah) مجموعه‌ای از شش کتاب نام دارد. زبان این اثر آرامی قرن ششمی است با تحولی در سامری متأخر که از تأثیرات زبان عربی قدیم نیز برکنار نماند (Hjelm, 2000: 96). کتاب ششم *ممار مرقه* درباره بیست‌ودو حرف الفبای عبری است. باور بر این بود که اصل این حروف به آغاز آفرینش برمی‌گردد؛ کتابی که به‌احتمال برای شاگردان مانی نیز ناشناخته نبود. در بخش نخست (Rosenthal, 1939: 142) «رساله در باب ۲۲ حرف»، یعنی

در همین کتاب ششم، می‌خوانیم: «هنگامی که خداوند خویشتن را در بوت‌های سوزان بدو (موسی) آشکار کرد، ۲۲ حرف را یافت که با زبانه آتش در برابر او نگاهشته شدند» (Baneth, 1888: 54-55)، یا جای دیگر می‌خوانیم: «او (خداوند) ۲۲ حرف را نگاهشت که (همه) کلمات تعلیمی بر پایه آنها شکل گرفت» (Ibid.: 50-51). این سبک قالبی در ادبیات مسیحی پیگیری شد (نک: ادامه مقاله، بخش ۳-۴).

### ۳.۳. کهن‌ترین شواهد

آیا اندیشه آفرینشگری کلام خداوند در آن واحد، نخستین بار در یهودیه یا یهودیت مطرح شد؟ تا پیش از دیدارم با دکتر م. لکزایی، که متخصص ادیان شرق باستان در دانشگاه ادیان و مذاهب است، به نظر من می‌رسید آنچه تاکنون در باب قدرت آفرینشگری کلام ایزدی می‌دانیم در ادبیات یهودی یافت می‌شود. اما او در گفت‌وگویمان نشان داد که این سنت فوق‌العاده کهن، تا آنجا که تا امروز بر اساس مدارک می‌دانیم، در میان‌رودان، یعنی در زادگاه خود مانی، نیز سابقه دارد. بر اساس یکی از الواح میخی بابلی، کتیبه ۴: ۲۶-۲۳، مردوک، خدای بزرگ بابلی‌ها، با کلام خویش می‌آفریند و با همان کلام هر چیزی را نابود می‌کند.<sup>۲۲</sup> بنابراین، این احتمال به‌راستی وجود دارد که تفکر محل بحثمان در دوران اسارت یهودیان در بابل وارد اندیشه و ادبیات یهودی شده باشد. به نظر می‌رسد در مجموعه کارکردهای کلام مقدس در اندیشه‌های هندوایرانی، یعنی «مَنْتْرَه» (māṭhra-) در اوستا<sup>۲۳</sup> و «مَنْتْرَه» (mantra-) در وداه (هینلز، ۱۳۸۶: ۶۰۰)، کارکرد و خویش‌کاری «آفرینشگری» آن نقشی ایفا نمی‌کند.<sup>۲۴</sup>

### ۳.۴. بیست‌ودو حرف آفرینش، از آلفا تا اُمِگا، آغاز و پایان هر چیز

کوردولا باند (Cordula Bandt) در سال ۲۰۰۷ رساله یونانی *Περὶ τοῦ μυστηρίου τῶν γραμμάτων* «در باب اسرار حروف» را منتشر کرده است.<sup>۲۵</sup> این اثر مسیحی که مؤلف آن گمنام است، دیباچه‌ای قبطی دارد (For MS. see Bandt, 2007: 'Abbildungen'). نسخه‌ای که باند آن را منتشر کرد، به سده ششم میلادی، یعنی حدود یک سده پیش از ظهور اسلام، تعلق دارد و احتمال می‌دهند که اصل آن در فلسطین نگاهشته شده باشد. مؤلف در رساله‌اش نه‌تنها با جزئیات به تفسیر نام و شکل حروف یونانی و عبری و راز موجود

در آنها می‌پردازد، که در سراسر اثرش می‌کوشد نشان دهد که ΠΜΥΣΤΗΡΙΟΝ «اسرار خداوند در حروف الفبا (نهفته است)» (ML (Mysteria Litterarum). Prooimion 3, in *ibid.*: 102-103)؛ رازهایی که با این جمله عیسی مسیح آغاز می‌شود: ΧΕ ΑΝΟΚ ΑΛΦΑ ΑΥΩ Ω «من آلفا و أمگا هستم» (ML. Prooimion 102.15-16. *Ibid.* 102-103)؛ و ΧΕ ΑΝΟΚ ΑΙΩΩΠΕ ΗΑΛΦΑ «من آلفا و أمگا شدم» (ML. Prooimion 102.17. *Ibid.*)<sup>۲۶</sup>. نویسنده رساله، خود می‌گوید که او اثرش را تحت تأثیر مکاشفه یوحنا و توصیه مسیح به یوحنا نوشته که از او خواست بکوشد παρὸν θησαυρὸς τῶν γραμμάτων «گنج موجود در حروف» (ML 2: 108.6. *Ibid.*)، یعنی ΠΜΥΣΤΗΡΙΟΝ ΜΠΝΟΥΤΕ «اسرار خداوند»، را بشناسد. در مکاشفه ۱: ۸ می‌خوانیم: «من آلفا و أمگا هستم، آغاز و پایان». نیز باری دیگر در مکاشفه ۲۲: ۱۳: «من آلفا و أمگا هستم، آغاز و پایان، اول و آخر».

به منظور درک صحیح بافت این عبارات نگاهی به بخش‌های دیگر این رساله می‌اندازیم:

ML 3: 108.21-22: Εικοσιδύο δὲ εἰσὶ τῶν γράμματα κατὰ τὸν ἀριθμὸν τῶν κβ' ἔργων, ὧν ὁ θεὸς ἐν πάσῃ τῇ κτίσει ἐποίησεν·

اما بیست و دو حرف در تطابق با شمار ۲۲ اثری است که خداوند در همه خلقت آفریده است (Bandt, 2007: 108-109. Similar sentences in ML 3: 108.23; ML 3: 108.24-110.10; ML 3: 110.15-16; in *ibid.*: 110-111. See also (Dornseiff, 1925: 73).

در پی این جمله، رساله به «۲۲ کاری که مسیح به انجام رسانده» (Περὶ τῶν κβ' εἰσὶ τῶν γράμματα κατὰ τὸν ἀριθμὸν τῶν κβ' ἔργων, ὧν ὁ Χριστὸς εἰργάσατο (ML 3: 110.19-112.13) اشاره می‌کند (ML 3.4: 112.14-15: Τοῦτων τῶν κβ' τοῦ χριστοῦ πραγμάτων εἰσὶ τύπος τὰ κβ' ἔργα τῆς κτίσεως, ἃ ἐποίησεν ὁ θεός· ὁμοίως καὶ τὰ κβ' γράμματα ὡς προεῖπον τῆς ἀλφαβήτου·

نمونه این ۲۲ اعمال مسیح، ۲۲ اثر خلقت‌اند که خداوند آفرید، درست همانند ۲۲ حرف الفبا که درباره‌اش گفتم (Bandt, 2007: 112-113).



به نظر این جانب، شمار بیست و دو راجع به اعمال مسیح عبارتی همسان در یکی از متن‌های مانوی تورفان با شناسه S1 دارد؛ متنی که نشانه نفوذ این انگاره در ادبیات ایرانی مانوی است و، تا آنجا که صاحب این قلم می‌داند، فقط در این متن تأیید می‌شود:

S1/v/11-13/ \* yyšw'yg \* | 'br wyst 'wd dw k'rc'r 'yg [3-5] | 'mdyšnyh 'yg  
yyšw' zyn(dk)[r] (Salemman, 1904: 6. re-edited here)

در باب یسوع (عیسی): درباره بیست و دو کارزار ... (یک واژه مفقود) آمدن یسوع زنده [گر] (*Ibid.*)<sup>۲۷</sup>.

باری، می‌توان تصور کرد منابعی که کهن‌تر از مدارک مسیحی هستند، مانند عهد عتیق و آثار مربوط به آن، در شکل‌دهی به متن مسیحی در باب اسرار حروف تأثیر گذشته‌اند و به احتمال مانی با این منابع آشنا بوده است. با این حال نباید از تأثیر مکاشفه یوحنا بر اندیشه‌های مانی در این زمینه، که همانند کتاب حنوخ اثری مکاشفه‌ای است<sup>۲۸</sup> و همانند آن با ستاره‌شناسی مرتبط است، غافل شد. این مقایسه به احتمال درباره تأثیر اندیشه‌های ابن دیصان (بردیصان)، گنوستیگ معروف پیش از مانی، نیز صادق است. زیرا ابن دیصان که مانی به شدت تحت تأثیر او قرار داشت،<sup>۲۹</sup> هم ستاره‌شناس بود<sup>۳۰</sup> و هم یزدان‌شناس (Ephrem, *Hymns* 51.13, *apud* Skjærvø, 1988: 781. See also ) (McGukin, 2004: 44b). نفوذ کتاب ششم ممار مدراش یهودی که در واقع مدراش بیست و دو حرف الفبای عبری است، به احتمال برای مانی شناخته شده بود. در بخش زیر می‌کوشیم بیشتر به تحلیل انگاره کلام ایزدی در اندیشه مانوی بپردازیم.

#### ۴. باشندگان واژه آفریده در ایزدستان مانوی

##### ۴. ۱. واژه آفریده (آفریده شده با کلام)

اندیشه «نیروی کیهانی حروف و کلام» که عاملی برای خلق کیهان است (قس.: پارتی مانوی wažan hasēnag «کلمه ازلی») (Durkin-Meisterernst & Morano, 2010: 10-13; after ) (Waldschmidt & Lentz, 1926: 85ff. & Morano, 1982: 10ff) آشکارا در متون مانوی تورفان تأیید می‌شود. یکی از این متون، قطعه بلند M7984 است. این متن که به زبان فارسی

میانه است، به اسطوره آفرینش کیهان و ظهور تجلیات خداوند می‌پردازد. در اینجا روح زنده (مهر ایزد) که سازنده جهان است، به همراه بغان و ایزدان دیگر نزد پدر بزرگی (خداوند متعال مانوی) می‌رود و از او درخواست می‌کند فرستاده سوم (نریسه‌ایزد)، یکی دیگر از تجلیات خویش، را فرا خواند:

M7984/II/r/ii/21-34/-/v/i/1-5/: 'wd myhryzd 'wd srygrqyrb qyrdg'r 'wl 'w whyšt'w 'hr'pt hynd ⊙⊙ 'wd 'b'g 'whrmzydby 'wd rws'n xw'ryst ⊙⊙ 'wd nwgšhr'pwr yzd hndym'n 'wy whyšt'w šhry'r dstkš 'yst'd hynd ⊙⊙ 'wš'n ngwcyd 'wd zwwpr nm'c bwrđ 'wš'n 'wḥ gw(p)t kw nmbwrm tw xwdy' ky pd xwyš wrz 'wd hww'c<sup>31</sup> 'm'h 'pwryd hwm ⊙⊙ (Mir. Man. i, 7[179]; Reader 63, text y: 8; Hutter, 1992: 30-31 § 155-173)

و مهر ایزد و سریگرکرب کردگار به بهشت فراز شدند و با آهرمزد بغ و دوست روشنان و نوگ‌شهرآفور ایزد در پیشگاه آن شهریار بهشت [= خداوند] دست‌به‌سینه ایستادند؛ او را تعظیم کردند و ژرف نماز بردند؛ و چنین گفتند: نماز می‌بریم بر تو ای خدا که با ورج (معجزه) و کلام نیک [یا: با کلمه معجزه‌گر] خویش ما را آفریدی (Ibid.).

مقایسه کنید با آنچه تئودور برکونای در این باب نقل کرده است:

پس مادر زندگی و انسان قدیم و روح زنده به نیایش ایستادند و به پدر بزرگی استغاثه بردند و پدر بزرگی بدان‌ها گوش فرا داد و «فراخوانی سوم»، (یعنی) فرستاده [سوم] (نریسه ایزد) را فرا خواند (qerā) (Apud Jackson, 1932: 240).

در قطعه فارسی میانه زیر فرستاده سوم فرا خوانده می‌شود:

M7984/II/v/ii/11-14/ ps h'n whyšt'w šhry'r pd xwyš wrz 'wd hww'c 'pwryd yzd sh (Mir. Man. i, 8[180]; Reader 64, text y: 10; Hutter, 1992: 38 § 213-216).

پس آن شهریار بهشت [= پدر بزرگی؛ خداوند] با ورج و کلام نیک (با کلمه معجزه‌آمیز) خویش سه ایزد فرا خواند (Mir. Man. i, 180; GSR 228, as text c).

همچنین مقایسه کنید با قطعه‌ای از متن پارتی هویدگمان:

*Huy.VIc/10a-b/:* ( 'w)[d p]d rwmb w'c'fryd ɔdyz 'br hw [lacuna] | (b)wrz 'wd  
ql'n ɔ cy 'rg'w p(')[dyxš'n] (Boyce, 1954: 102. Cf. M 324/R/15-16/: w'c'fryd  
hy tw | xwd'y pd 'pryn 'y yzd'n<sup>۳۰</sup>).

و با دهان «واژه آفریده» [= که با کلام اندرش می‌آفریند] دژی بر آن ... (۹) بُرز  
و کلان پا[دشاهی] ارجمند [بساخت] (Ibid.: 103).<sup>۳۲</sup>

شواهد بالا نشان می‌دهد مانویت در مقام دینی که به این انگاره یهودی مسیحی  
استمرار بخشید، بر آن بود که آفرینش ایزدان و جهان مینوی با «صدا» و «کلام» خداوند  
صورت گرفته است؛ جهانی که سراسر تجلی خداوند محسوب می‌شود.<sup>۳۳</sup> اما ذکر این  
نکته ضروری است که متون مانوی ایرانی بازیافته از تورفان آشکارا تأیید می‌کند که این  
انگاره هرگز برای آفرینش جهان مادی به دست اهریمن به کار نمی‌رفته است؛ نکته‌ای  
که نشان می‌دهد مانی در پردازش این انگاره از سنت‌های کهن ایرانی خویش نیز نیک  
بهره برده بوده است.

#### ۴. ۲. الف نخستین و تاء فرجامین

باری، انگاره یهودی «نیروی کیهانی حروف الفبا و کلام» که ابزار خلق جهان است،  
در عهد جدید نفوذ کرد؛ چنان‌که در آغاز فصل یکم/انجیل یوحنا (۱: ۱-۳) می‌خوانیم:  
«در ازل» پیش از آنکه چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و نزد خدا بود. او همواره  
زنده بوده و خود خدا است. هر چه هست به وسیله او آفریده شده و چیزی نیست که  
آن را او نیافریده باشد». در همین بند (۱: ۱۴)، «کلمه خدا» آشکارا همان مسیح تلقی شده  
است؛ چیزی که در مکاشفه یوحنا<sup>۳۴</sup> به شیوه‌ای دیگر بازنموده شده است (مکاشفه ۲: ۲۲:  
۱۳): «من (یعنی مسیح) آلفا و اُمگا هستم، آغاز و پایان، نخستین و فرجامین» (نیز نک.:  
مکاشفه یوحنا ۱: ۱۱ و ۱: ۱۷). این عبارت که در میان همه کتب عهد جدید فقط در  
مکاشفه یوحنا دیده می‌شود، به احتمال در قطعه مانوی تورفان با شناسه M173، که به  
همراه قطعه M94 به سرودی پارتی برای «پدر بزرگی» شکل می‌دهد، بازتاب پیدا کرده  
است:

M 173/v/2<sup>a</sup>-2<sup>b</sup>/ 'lyf nxwyn tw xwd'y<sup>۳۵</sup> ɔ 'wd t 'stwmyn | pd tw 'ngd ɔ 'wd

bwd 'spwr tw k'm kyrbg (ABC 439, § 24a-b).

تو، ای خدا، الف نخستین و تاء فرجامینی. با تو کام کرفتهات (آرزوی کار نیکت) آکنده و کامل شد (5, § 32, GSR; *Ibid.*).

متن بالا به احتمال گویای این واقعیت است که مانی و مانویان از مکاشفه یوحنا بهره می‌برده‌اند و نه تنها در اهمیت بخشیدن به انگاره وجود نیروی کیهانی در بیست‌ودو حرف الفبا (شمارشان در جمله مزبور نهان است) آگاه بوده‌اند، که در پردازش عبارت «از آلفا تا آمگا» نیز از کهن‌الگوی (architype) مسیحی پیروی کرده‌اند. ممکن است این رویکرد دین‌شناسانه در کهن‌الگوهای فرشته‌شناختی مانوی نیز بازتاب پیدا کرده باشد، در جایی که مانویان همچون یهودیان به احتمال «حرف کاف» را حرف معجزه‌گر آفرینش می‌پنداشتند. این تحلیل بر پایه بررسی فقه‌اللغوی نام یکی از فرشتگان گمنام مانوی قرار دارد. این فرشته «(بر)کافتینوس» (*{br}k'fytynws, qptynws*) نام دارد (Durkin-See also (Meisterernst, 2004: 110b) که از او در قطعه مانوی M6230/v/12/ یاد شده است) (M13/I/r/3/ (به همراه نام «یاکوب» y'kwb که در ادبیات مانوی نام یکی از فرشتگان مقرب است) (Reck, 2004: 139). ولفگانگ فئوٹ (W. Fauth) در یادداشتی که برای هانس یوآخیم کلیمکایت نوشته، کافتینوس / کفتینوس را «فرشته (حرف) کاف» (*Qafus*), حرف معجزه‌گر آفرینش، می‌بیند و آن را با کفتنائیل (Kaftenāel) در یک متن جادویی حبشی مقایسه می‌کند (4 note 208, Klimkeit, 1998). او در اینجا به اعجاز دو حرف «کاف» و «نون» در آفرینش جهان از منظر اسلام نیز اشاره می‌کند (*Ibid.*).

باری، هم نوشته‌های مانوی و هم آثار غیرمانوی نشان می‌دهد که *انجیل مانی*، مطابق با بیست‌ودو حرف الفبای سریانی / مانوی، به بیست‌ودو باب (سریانی: *smēmre* یونانی: *λόγοι*) (Böhlig, 1980: 45 & Anm. 134)، یا به عبارت دیگر، به بیست‌ودو کتاب، تقسیم شده بود (Asmussen, 1987: 31b. Cf. *Panárion* 13.3-4: 232-233; Kessler, 1889: 206; Epiphanius of Salamis, 1994, *Panarion*, ed. and transl. by F. Williams: 232-233. German transl. (by Kessler, 1889: 206). قطعه فارسی میانه S1 از مجموعه سن‌پترزبورگ، با ذکر نام

نخستین و آخرین فصل این اثر، آشکارا به این واقعیت اشاره می‌کند:

S1/v/4-6/: <sup>(4)</sup>wnglywn 'y 'rβ ncyhyd <sup>(5)</sup>wnglywn 'y tww<sup>36</sup> ncyhyd

(6) wnglywn 'y wyst w dw wdimwštyh'n (Salemman, 1904: 4-5, and Tafel; *MSt* 32; Henning, 1945: 155 and n. 3; *Reader* 186, text *dq*: 2).

(او) {یعنی مانی} (فصل) الف انجیل را می‌آموزد؛ (فصل) تاء انجیل را می‌آموزد؛ انجیل بیست‌ودو (چیز) معجزه‌آسا (GSR 152; Klimkeit, 1998: 206).

تا آنجا که می‌دانیم، هیچ‌یک از آثار مانی با چنین عنوانی آغاز نمی‌شده است. این شاهد در دیگر متون مانوی نیز تأیید می‌شود. بر اساس *موعظ مانوی* که به زبان و خط قبطی است، مانی همه فصول/انجیل خویش را با ذکر نخستین و آخرین حرف الفبای قبطی برمی‌شمرد:

... pana[ Ne~u[aggelion jN N]a sa w ...

انـ [انجیل] بزرگ من [از] آلفا تا امگا.

(The Manichaean homilies 94:18-19; cf. Pedersen, 2006: 94; Polotsky, 1934:

94)

از این عبارت یا تمامی فصول/انجیل اراده می‌شد یا همه الهامات و رازهای نهفته در آن، یا هم‌زمان هر دو.

## ۵. فرجام سخن و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های دین‌شناسانه در باب عناصری که نمونه‌ای از آن در این مقاله بررسی شد، به اعتقاد من، فقط هنگامی به درستی نتیجه خواهد داد که در زمینه‌ای (context) متن‌شناسانه و در صورت لزوم به همراه تحقیقات نشانه‌شناسانه (iconographic) قرار گیرد. در حقیقت، عناصری از ادیان ابراهیمی و کیش‌های وابسته چنان در هم تنیده شده‌اند که کار تفکیک و تحلیل آنها جز در فرآیندی مأخذشناسانه، و به طور مشخص بازبینی طولی منابع، امکان‌پذیر نیست. در چنین بررسی‌هایی یا باید ابتدا به کهن‌ترین متونی پرداخت که این انگاره در آنها بروز پیدا کرده و آنگاه به زوایه دید و سبک‌های بلاغی ادیان و نحله‌هایی رسید که از آن کهن‌الگو انگاره خاص خویش را پدید

آورده‌اند؛ یا برعکس در جهت مخالف حرکت کرد و به جای ابتدای خط طولی مدارک، که در این مقوله همانا ادبیات یهودی است، حرکت را از پایان آن، یعنی قرآن، آغاز کرد. در این پژوهش دیدیم که نخستین اشاره مستقیم به تأثیر کلام مقدس آفریدگار در خلق جهان در کتیبه‌های بابلی (میان‌رودان) بازتاب پیدا کرده است، نه در ادبیات یهودی که برخی پژوهشگران بر آن تأکید کرده‌اند. انگاره خلق جهان با کلام خداوند هم در ادبیات رسمی یهودی شاهد دارد و هم در نوشته‌های غیررسمی آن. بر اساس مدارک، *مکاشفه یوحنا* - تنها کتاب عهد جدید که به بیست‌ودو باب تقسیم شده،<sup>۳۷</sup> و مطابق با عبارت مشابه در کتاب *حنوخ* در باب بیست‌ودو حرف الفبا است که هم جهان مینوی و هم جهان مادی را آفرید - به احتمال بسیار قوی نزد مانی نقش ایفا کرده است. از همین رو است که به نظر می‌رسد این بیان عیسی در *مکاشفه* ۲۲: ۱۳ که «من آلفا و اُمگا هستم، آغاز و پایان، اول و آخر» در یکی از مدارک مانوی، در قالب عبارت «الف نخستین و تاء فرجامین» (در خطاب به خداوند متعال مانوی)، بازتاب پیدا کرده است. مدارک مانوی آشکارا نشان می‌دهد که آفرینش ایزدان و جهان مینوی در مانویت، همچون نمونه یهودی مسیحی، با «کلمه» و «سخن» انجام می‌شده است. در واقع، اندیشه «نیروی آفرینشگر کلام خدای تعالی» آشکارا در آن دسته از متون مانوی تورفان تأیید می‌شود که به اسطوره آفرینش کیهان می‌پردازند. در اینجا کوشیدیم نشان دهیم عدد بیست‌ودو مرتبط با اعمال مسیح و مذکور در متن یونانی اسرار حروف، در یکی از متون مانوی تورفان نیز همسان دارد. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اصل و خاستگاه تقسیم انجیل مانی به بیست‌ودو فصل را باید در خود بابل، یعنی در زادگاه خود مانی، جست‌وجو کرد، گرچه این نوع تقسیم‌بندی انجیل، از هر جا که آمده باشد، چنان‌که نظر بزرگ‌ترین دشمن مانویت، آگوستین قدیس، را جلب کرد که کتاب مشهورش *شهر خدا* (*De Civitate Dei*, Augustine, 1998) را آگاهانه در بیست‌ودو باب تنظیم کرد تا همتا و رقیب انجیل مانوی باشد (for reference, see) Böhlig, 1980: 45 'Ein bewusstes Gegenstück': *ibid.*: 312, n. 134).

بررسی در زمانی و هم‌زمانی متون یهودی و مسیحی و مانوی نمایشگر پیرنگ کهن‌الگویی هستند که در قرآن با عبارت «کن فیکون» بروز پیدا کرده است. این عبارت به همین شکل به طور قطع و یقین در نظام‌های پیشین نمونه ندارد، گرچه نمونه اولیه

آن در ادبیات میان‌رودانی، یهودی، مسیحی و مانوی با انگاره «نیروی آفرینشگر کلمه و کلام خداوند» بازنموده شده است. قرآن کلام‌الله است و خداوند آن را بی‌تردید به زبان فرهنگی جهانی بیان کرده که در طول تاریخ تجربه و فهمیده شده است. به عبارت دیگر، قرآن هیچ‌یک از انگاره‌های تعلیمی‌اش را با مفاهیمی نیاموخت که انسان صورتی از آن را در ذهن تاریخی خویش نداشته یا به نحوی با آن آشنا نبوده است، چنان‌که به نظر نمی‌رسد هیچ مفهوم ژرفی بدون پیش‌زمینه و پی‌رنگ مناسب خویش ظاهر شده باشد؛ و لاغیر نه چیزی در بیان می‌آمد و نه چیزی درک می‌شد.

\* \* \*

### کوتاه‌نوشت‌ها و کتاب‌شناسی

<i>ABC</i>	Boyce, 1952
<i>BBB</i>	Henning, 1937
<i>DMMP</i>	Durkin-Meisterernst, 2004
<i>GSR</i>	Klimkeit, 1993
<i>Mir. Man. i-iii</i>	Andreas & Henning, 1932-1934
<i>MSt</i>	Salemann, 1908
<i>Reader</i>	Boyce, 1975

### پی‌نوشت‌ها

۱. دکتر کوردولا باند (فرهنگستان علوم برلین) در باب اعجاز حروف در ادبیات یونانی مسیحی و دکتر مهدی لکزایی (دانشگاه ادیان و مذاهب، قم) در مبحث ریشه‌های کلام آفرینشگر در ادبیات میان‌رودانی و پیشایهودی به یاری نویسنده آمدند و پنجره‌های جدیدی به رویم گشودند. نیز اگر ویرایش خوب خانم زینب صالحی نبود این مقاله چنان از سهویات نگارشی پیراسته نمی‌شد که شایسته مخاطبان فرهیخته است. نویسنده سپاس‌های بیکران‌ش را تقدیم این دوستان دانشمند می‌کند که مهربانانه در ارتقای کیفیت این مقاله از هیچ کوششی دریغ نورزیدند.
۲. در اینجا ما به مقایسه عناصر اسلامی با عناصر یهودی و مسیحی نخواهیم پرداخت.
۳. حتی در تحقیقات جدید؛ از باب نمونه، در: Reynolds, 2008: 70ff.; 109ff.; 141ff.; 223ff.
۴. حسینی‌زاده (۱۳۹۴: ۱۳۲ به بعد) به درستی نشان می‌دهد رَفَائِل یهودی، که جای آن در فهرست فرشتگان مقرب اسلامی خالی است، همان اسرافیل در سنت اسلامی نیست.
۵. محسنی (۱۳۹۴) در پژوهشی مفصل به ناهمسانی خویش‌کاری فرشتگان مقرب در ادیان ابراهیمی پرداخته است. در باب فرشتگان مانوی، نک.: شکری فومشی، ۱۳۹۷.

۶. «مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وُلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ خدا را نسزد که فرزندی برگیرد؛ منزّه است او؛ چون کاری را اراده کند همین قدر به آن می‌گوید: موجود شو، پس بی‌درنگ موجود می‌شود».
۷. «قَالَتْ رَبِّ انِّي يَكُونُ لِي وُلْدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ [مریم] گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است؟ گفت: چنین است [کار] پروردگار خدا، هر چه بخواهد می‌آفریند؛ چون به کاری فرمان دهد فقط به آن می‌گوید: باش، پس می‌شود».
۸. «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ در واقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت: باش، پس وجود یافت».
۹. «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ؛ و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید و هر گاه که می‌گوید: باش، بی‌درنگ موجود شود».
۱۰. «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ ما وقتی چیزی را اراده کنیم همین قدر به آن می‌گوییم: باش، بی‌درنگ موجود می‌شود».
۱۱. «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید: باش، پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود».
۱۲. «بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ [او] پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین [است] و چون به کاری اراده فرماید فقط می‌گوید: [موجود] باش، پس [بی‌درنگ موجود] می‌شود».
۱۳. «هُوَ الَّذِي يَحْيِي وَيَمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ او همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند و چون به کاری حکم کند همین قدر به آن می‌گوید: باش، بی‌درنگ موجود می‌شود».
14. See Henning, 1943: 52-74; W. Sundermann, "Ein weiteres Fragment aus Manis Gigantenbuch", *Orientalia J. Duchesne-Guillemin emerito oblata*, Leiden, 1984, pp. 491-505; P. O. Skjærvø, "Iranian Epic and the Manichaean Book of Giants", *Acta Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae* 48, 1995: 187-223; Wilkens, 2000: 133-176 & 2011: 63-85; Morano, 2011: 101-111.
۱۵. برای ارجاعات حنوخ (*hwnwx*) در ادبیات مانوی، نک: *DMMPP* 194a.
۱۶. *hwnwx* «حنوخ» در مدارک تورفان (*DMMPP* 194a)، بسنجید با: *Imwk* در اسناد قمران، QG8 (Reeves, 1992: 59).
۱۷. برای نتایج تحقیقات او، نک: *Klimkeit*, 1980: 367-377.
۱۸. قس: کتاب یکم حنوخ، در «کتاب رازهای حنوخ»، ۱۳۷۸: ۲۱-۵۶.
۱۹. کلام خالق در یهودیت رسمی نیز، مانند آنچه در فصل آغازین سفر پیدایش ۱: ۳ آمده («و خدا گفت که روشنایی شود و روشنایی شد»)، قادر مطلق است. او حکم می‌دهد و نتیجه در تطابق کامل با فرمان او است یا به قول مزامیر ۹: ۳۳، «او امر فرمود و عالم هستی به وجود آمد». به عبارت دیگر، خداوند به همان آسانی می‌آفریند که حاکم به زیردست خویش فرمان می‌دهد. برای مطالعه کامل



- تأثیر سخن الاهی در عهد عتیق نک: Durr, 1938 (به نقل از: مکاری، ۱۳۹۳: ۲۲۲-۲۲۳).
۲۰. برای ترجمه فارسی این بخش از زبور مانوی، نک: آلبری، ۱۳۸۸: ۱۹۵-۱۹۶.
۲۱. مترجمان آلمانی این اثر، اشمیت و پولوتسکی، به درستی فعل قبطی **ΤΩΣΜΕ** «(فرا خواندن» در این مزمور را با سریانی **ܩܪܝܘܢ** «(فرا خواندن» و نیز **qryt** در اثر تئودور بَرکونای: bar Kōnai, 15, 314; به نقل از Jackson, 1932: 224ff) و همچنین عربی «دعا» (در الفهرست ابن ندیم: Flügel, 1869: 65, 5) مقایسه کرده‌اند (نک: Schmidt & Polotsky, 1933: 63[64] & 65[66]).
۲۲. ترجمه فارسی از مکاری، ۱۳۹۳: ۱۱۶. با سپاس فراوان از دکتر مهدی لک‌زایی برای در اختیار نهادن این اثر مهم.
۲۳. نیز «مانسر» در ادبیات پهلوی (*mānsar*). هر دو شاهد اوستایی و پهلوی از: MacKenzie, 1971: 54.
۲۴. با سپاس بیکران از دکتر م. طامه برای اشاره به این نکته. برای اطلاعات بیشتر در زمینه نقش و کارکردهای کلام مقدس در ادبیات هندی (متره) و زرتشتی (متره)، نک: «جادوی سخن در اساطیر ایران»، در: آموزگار، ۱۳۸۶: ۳۷۱-۳۸۳. شایان ذکر است که کتاب پهلوی *شکند گمانیگ وزار* که به ردّ اندیشه یهودی «قدرت کلام ایزدی در خلق جهان و کائنات» در عهد عتیق می‌پردازد، تألیف قرن سوم هجری و بنابراین متأخر است. هنگامی که مردان فرح، نویسنده این اثر، در بخش *astum darag*, 68-69: 13 به نقل قولی از سفر پیدایش ۱: ۳ «*bād rōšnīh ud bād!* [69] *ādōn guft kū* [68]: «ادونای گفت: روشنایی باشد و شد!» به انتقاد از این آموزه یهودی می‌پردازد، به احتمال قصد داشته غیرمستقیم و بدون اینکه نظر مسلمانان جلب شود، به انتقاد از «کن فیکون» در قرآن نیز بپردازد.
۲۵. با سپاس بیکران از دکتر ک. باند که از سر مهربانی متن کامل این رساله را در اختیار صاحب این قلم نهاد.
۲۶. نیز به یونانی *Ἐγὼ εἶμι τὸ Ἄλφα καὶ τὸ Ω* «من آلفا و أمگا هستم» (*ML 2.17. Ibid. 108-109*).
۲۷. مقایسه کنید با تیتور فصل (*logos*) نهم انجیل زنده مانی بر اساس متن قبطی سینکسیس (*Synaxeis*): «در باب فراز آمدن عیسی مسیح» (*ΕΤΑΝΩ ΕΤΒΕ ΤΒΙΝΕΙ ΝΙΗC ΠΧΡC*)، منتشر شده در: Mirecki, 1994: 206. برای تحلیل آن، نک: Shokri-Foumeshi, 2015: 201 ff.
۲۸. ممکن است این موضوع به درستی با مکاشفات ایرانی زرتشت، ویشتاب و کردیر (کرتیر) مقایسه شود.
۲۹. فرایم سوری در باب تأثیر شدید بردیصان بر مانی می‌گوید: «مانی از دروازه‌ای گذشت که بردیصان آن را گشوده بود». نک: Ephrem Syrus, *Prose Refutations I*, apud Green, 1992: 89; Ephrem, *C. haer. ad Hyapat.*, I, p. 122, 26-31, apud Lieu, 1992: 59 and n. 142.
۳۰. با سپاس بیکران از دورکین میستر ارنست که توجه صاحب این قلم را بدین نکته جلب کرد. 31. Cf. M 39/R/1/16-17/ in *Mir. Man. iii*, text m 16-17 (p. 39 [884]); *Reader 118*, text bk: 1: *z'd 'yy pt wre*, and not *pd wrc 'wd hww'c*.
- بر اساس متن بالا، ایزدان مانوی همچنین «زاده» می‌شوند (*z'dn*). به لطف پژوهش گرشویچ (Gershevitch, 1955: 479, esp. 487-488) اطلاعات بسیار خوبی در باب انگاره *w'c* با دو معنای «واژه»

و «روح» در اختیار داریم.

۳۲. با اصلاحاتی مختصر در ویرایش متن. نیز بنگرید به متن فارسی میانه زیر:

M 43/t/5/: zyw'y 'w j'yd'n ... nyrwg'wynd yzd w'c'fryd

«جاودانه زی ... (ای که) با کلام خدا آفریده شده‌ای!».

Klimkeit in GSR 158. Cf. HR ii, 78; MSt 12; Reader 194, text dw: 1. See also BBB 21; Reader 155, text cu: 15; GSR 135; Henning, BBB 21; HR ii, 49; MSt 2; Reader 160, text cv: 5; GSR 147; Colditz, 2000: 78.

۳۳. به اعتقاد اینجانب *wcn hsyng* «واژه قدیم (یا کلام ازلی)» در قطعه پارتی M7/V/ii/17-18/ (شاهد در *Mir. Man. iii*, 27[872], text g:12[105-106]; Reader 108, text ay: 1) و متن مذکور در بالا به این اصطلاح اشاره دارد.

۳۴. قابل توجه و پرمعنا است که هر دو به آثار یوحنا مربوط است: یکی *انجیل یوحنا* و دیگری *مکاشفه یوحنا*.

35. Cf. also M 28/II/V/ii/34-35/ in: *Mir. Man. ii*, 318; Reader 125, text bu:3; GSR 66, §5.3.

۳۶. آخرین حرف از الفبای سریانی و نام آخرین فصل این کتاب.

۳۷. با این نقل قول که «عیسی به یوحنا می‌گفت: [من الف و یا هستم؛ من ابتدا و انتها هستم. و هر چه می‌بینی در کتابی بنویس]» (مکاشفه ۱: ۱۳). این اثر می‌بایست برای مانی شناخته شده می‌بود.

## منابع

«کتاب رازهای خنوخ» (۱۳۷۸). ترجمه: حسین توفیقی، در: *هفت آسمان*، ش ۲، ص ۲۱-۵۶.  
آلبری، ج. ر. س. (مترجم متن قبطی) (۱۳۸۸). *زبور مانوی*، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره.

آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). *زبان، فرهنگ و اسطوره* (مجموعه مقالات)، تهران: معین.  
حسینی زاده، عبدالمجید (۱۳۹۴). «رفائیل فرشته در روایات یهودی، مسیحی و اسلامی»، در: *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*، س ۴۷، ش ۹۵، ص ۱۱۹-۱۳۸.

شکری فومشی، محمد (۱۳۹۷). «فرشتگان جادوستیز و فرستادگان گول‌کُش در تورفان: پرتوی نو بر فرشته‌شناسی مانوی بر اساس متون نیایشی و جادویی محفوظ در مجموعه برلین»، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، *ضمیمه‌نامه فرهنگستان* (زیر چاپ).

محسنی، زهرا (۱۳۹۴). «جایگاه و کارکرد فرشتگان در دیانت مسیحی»، استاد راهنما: الیاس عارف‌زاده، استاد مشاور: علی شهبازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده ادیان.

مکاری، محسن (۱۳۹۳). ترجمه کتاب *The Babylonian Genesis*، نوشته الکساندر هیدل، به همراه مقدمه تحلیلی، استاد راهنما: مهدی لک‌زایی، استاد مشاور: حسین سلیمانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده ادیان.

هنینگ، و. ب. (۱۳۷۵). «اخنوخ‌نامه مانوی»، ترجمه: کیکاوس جهاناداری، در: *نامه فرهنگستان*، س ۲،

هینلز، ج. ر. (۱۳۸۶). *فرهنگ ادیان جهان*، سرویراستار: ع. پاشایی، چاپ دوم، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

Andreas, F. C.; Henning, W. B. (1932-34). *Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan. I-III*, SPAW, Berlin.

Asmussen, J. P. (1987). "Angalyūn", in: *Encyclopaedia Iranica*, vol. 2, ed. E. Yarshater, p. 31.

Augustine (1998). *The City of God, Against the Pagans*, R. W. Dyson (ed.), New York.

Bandt, C. (2007). *Der Traktat 'vom Mysterium der Buchstaben'. Kritischer Text mit Einführung, Übersetzung und Anmerkungen*, Berlin.

Baneth, H. (1888). Des Samaritaners Marqah an die 22 Buchstaben, den Grundstock der hebräischen Sprache, anknüpfende Abhandlung (nach einer Berliner Handschrift), PhD-Dissertation, Friedrichs-Universität, Berlin.

Berger, K. (1981). *Das Buch der Jubiläen* (JSHRZ 2/3), Gütersloh.

Böhlig, A. (1980). *Die Gnosis, Dritter Band der Manichäismus*, unter Mitwirkung von Jes Peter Asmussen, Zürich/Munich.

Boyce, M. (1952). "Some Parthian abecedarian hymns", *BSOAS*, 14: 435-450.

Boyce, M. (1954). *The Manichaean Hymn-Cycles in Parthian*, London-New York-Toronto.

Boyce, M. (1975). *A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian*, Téhéran-Liège (Acta Iranica 9a).

Colditz, I. (2000). *Zur Sozialterminologie der iranischen Manichäer. Eine semantische Analyse im Vergleich zu den nichtmanichäischen iranischen Quellen*, Wisbaden (Iranica 5).

Doering, L. (1997). "The Concept of the Sabbath in the Book of Jubilees", in: M. Albani, J. Frey and A. Lange (eds.), *Studies in the Book of Jubilees*, Tübingen, pp. 179-206.

Dornseiff, F. (1925). *Das Alphabet in Mystik und Magie*, Leipzig-Berlin.

Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Turnhout (Corpus Fontium Manichaeorum, Dictionary of Manichaean Texts III, 1).

Durkin-Meisterernst, D. (2011), "Literarische Termini in mitteliranischen manichäischen Texten", in: Özertural, Z. and J. Wilkens (eds.), *Der östliche Manichäismus. Gattungs- und Werksgeschichte, Vorträge des Göttinger Symposiums von 4.-5. März 2010*, Abhandlungen der Akademie der Wissenschaften zu Göttingen, neue Folge 17, pp. 27-44.

Durkin-Meisterernst, D.; Morano, E. (2010). *Mani's Psalms. Middle Persian, Parthian and Sogdian texts in the Turfan Collection*, Turnhout (BTT XXVII).

Durr, L. (1938). "Die Wertung des göttlichen Wortes im Alten Testament und im antiken Orient" in: *Mitteilungen der vorderasiatischen Gesellschaft*, vol. XLII, Heft 1.

- Flügel, G. (1969). *Mani. Seine Lehre und seine Schriften*, Osnabrück.
- Gallagher, E. L. (2012). *Hebrew Scripture in Patristic Biblical Theory: Canon, Language, Text, Supplements to Vigiliae Christianae*, vol. 114, Brill, Leiden.
- Gershevitch, I. (1955). "Word and Spirit in Ossetic", *BSOAS*, 17: 478-489.
- Green, T. M. (1992). *The City of the Moon God: Religious Traditions of Harran*, Leiden.
- Henning, W. B. (1937). *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*, Berlin (APAW, 1936, No 10) [= *Selected Papers I*, 1977, pp. 417-557].
- Henning, W. B. (1943). "Ein manichäisches Henochbuch", *SPAW*, 5: 27-35 [341-348].
- Henning, W. B. (1945). "The Manichaean Fests", *JRAS*, pp. 146-164 (155-164: 'Notes by S. H. Taqizadeh') [*Selected Papers II*, 1977, pp. 205-224].
- Herrmann, K. (ed.) (2008). *Sefer Jezira. Buch der Schöpfung*, Frankfurt (a.M.)-Leipzig.
- Hjelm, I. (2000). *The Samaritans and early Judaism: A Literary Analysis*, Sheffield.
- Hutter, M. (1992). *Manis Kosmogonische säbuhragān-Texte: Edition, Kommentar und literatur-geschichtliche Einordnung der manichäisch-mittelpersischen Handschriften M 98/99 I und M 7980-7984*, Wiesbaden.
- Jackson, A. V. W. (1932). *Researches in Manichaeism, with Special Reference to the Turfan-Fragments*, Columbia University, Indo-Iranian Series, New York.
- Kessler, K. (1889). *Mani. Forschungen über die manichäische Religion*, Berlin.
- Klimkeit, H.-J. (1980). "Der Buddha Henoch: Qumran und Turfan", *Zeitschrift für Religions- und Geistesgeschichte*, 32: 367-377.
- Klimkeit, H.-J. (1993). *Gnosis on the Silk Road: Gnostic Texts from Central Asia*, San Francisco.
- Klimkeit, H.-J. (1998). *Selected Studies*, in: M. Heuser and H.-J. Klimkeit, *Studies in Manichaean Literature and Art*, Part II, Leiden-Boston-Cologne, pp. 109-313.
- Lieu, S. N. C. (1992). *Manichaeism in the Later Roman Empire and Medieval China: A Historical Survey*, Manchester, 2<sup>nd</sup> ed., Tübingen.
- Lumpkin, J. B. (2009). *The Book of Henoch: A Complete Volume Containing*, Blountsville.
- MacKenzie, D. N. (1971). *A Concise Pahlavi Dictionary*, London.
- McGukin, J. A. (2004). *Patristic Theology*, Washington.
- Mirecki, P. A. (1994). "The Coptic Manichaean Synaxeis Codex: Codicology and Intertextuality", in: H. Preissler, H. Seiwert and H. Mürmel (eds.), *Gnosisforschung und Religionsgeschichte. Festschrift für Kurt Rudolph zum 65. Geburtstag*, Marburg, pp. 199-207.
- Morano, E. (1982). "The Sogdian Hymns of 'Stellung Jesu'", *East and West* (NS), 32: 9-43.
- Morano, E. (2011). "New Research on Mani's Book of Giants", in: Özertural, Z. and J. Wilkens (eds.), *Der östliche Manichäismus. Gattungs- und Werksgeschichte, Vorträge des Göttinger Symposiums von 4.-5. März 2010*, Abhandlungen der Akademie der

- Wissenschaften zu Göttingen, neue Folge 17, pp. 101-111.
- Odeberg, H. (1928). *3 Enoch or the Hebrew Book of Enoch*, Edited and Translated for the First Time with Introduction, Commentary and Critical Notes, II, Cambridge.
- Olsson, T. (1988). "The Manichaean Background of Eschatology in the Koran", in: P. Bryder (ed.), *Manichaean Studies. Proceedings of the First International Conference on Manichaeism, August 5-9, 1987*, Dept of History of Religions, Lund University, Sweden, Lund, Plus Ultra (Lund Studies in African and Asian Religions 1), pp. 273-82.
- Pedersen, N. A. (2006). *Manichaean Homilies: The Manichaean Coptic Papyri in the Chester Beatty Library*, Turnhout (Corpus Fontium Manichaeorum).
- Polotsky, H. J. (1934). *Manichäische Handschriften der Sammlung A. Chester Beatty, Band I: Manichäische Homilien*, mit einem Beitrag von H. Ibschler, Stuttgart.
- Reck, C. (2004). *Gesegnet sei dieser Tag. Manichäische Festtagshymnen. Edition der mittelpersischen und parthischen Sonntags-, Montags- und Bemahymnen*, Turnhout (BTT XXII).
- Reeves, J. C. (1992). *Jewish Lore in Manichaean Cosmogony: Studies in the Book of Giants Traditions*, Cincinnati.
- Rosenthal, F. (1939). *Die aramaistische Forschung seit Th. Nöldeke's Veröffentlichungen*, Leipzig (repr. 1964).
- Salemann, C. (1904). *Ein Bruchstück manichäischen Schrifttums im Asiatischen Museum*, Mémoires de l'Académie Impériale des Sciences de St.-Petersbourg, VIIIe série, vol. VI, no. 6, St.-Petersbourg.
- Salemann, C. (1908). *Manichäische Studien I*, Mémoires de l'Académie Impériale des Sciences de St.-Petersbourg, VIIIe série, vol. VIII, no. 10, St.-Petersbourg.
- Schmidt, C. and H. J. Polotsky (1933). *Ein Mani-Fund in Ägypten*, SPAW, Berlin.
- Shokri-Foumeshi, M. (2015). *Mani's Living Gospel and the Ewangelionig Hymns, Edition, Reconstruction and Commentary with a Codicological and Textological Approach Based on Manichaean Turfan Fragments in the Berlin Collection*, Qom: URD.
- Skjærvø, P. O. (1988). "Bardesanes", in: *Enc. Ir.*, Vol. III, Fasc., 7-8: 780-785.
- Waldschmidt, E.; Lentz, W. (1926). *Die Stellung Jesu im Manichäismus*, APAW, 4, Berlin.
- Widengren, G. (1965). *Mani and Manichaeism*, London.
- Wilkens, J. (2000). "Neue Fragmente aus Manis Gigantenbuch", *ZDMG*, 150: 133-176.
- Wilkens, J. (2011), "Funktion und gattungsgeschichtliche Bedeutung des manichäischen Gigantenbuch", in: Özertural, Z. and J. Wilkens (eds.), *Der östliche Manichäismus. Gattungs- und Werksgeschichte, Vorträge des Göttinger Symposiums von 4.-5. März 2010*, Abhandlungen der Akademie der Wissenschaften zu Göttingen, neue Folge 17, pp. 63-85.